

مامیخواهیم زن باشیم نه مرد!

«... چقدر خوشحال می‌شوم وقتی منتظر شوهر
و بچه‌ها هستم که بخانه بیایند و حیواناً از دست بخت
من و یا تو، بعضی دگورخانه و... تعریف کنند... وقتی
مشکلی برای من پیش می‌آید شوهر من علناً حمایت
می‌کند و من نیز که آشکارا و پنهانی با او تکیه می‌کنم
احساس غرور می‌کنم... مگر نمی‌شود مردها گردن-
بند نیاویزند و زنها نان آورخانه نشوند...»

جرائد

از اعتراف بالا و سایر اعتراف‌های منصفانه خود زنان که در دست داریم؛ و برای احترام
از اطاله کلام از ذکر آنها خودداری می‌کنیم بلکه از مجموع استدلال‌های مخالفین وحتی
موافقین مسأله کارزن در خارج از خانه بخوبی روشن می‌شود که نه تنها شوهرها باین کار
راضی نیستند بلکه خود زنان نیز از ته دل وبمیل طبیعی خویش راضی نیستند و مناسب‌ترین
کار را برای خود خانه‌داری و شوهرداری و بچه‌داری میدانند. البته این میل طبیعی علل و
جهاتی دارد که مابعداً آنها را بررسی خواهیم کرد و آنچه در برخی از موارد دیده می‌شود که
زنان باین کار کم و بیش علاقه نشان می‌دهند نه از این جهت است که از روی طبیعت و فطرت اولیه بآن میل
هستند بلکه از روی ضرورت و نیاز مادی و یا حس تنوع طلبی و یا حیواناً از روی هوی و هوس
بآن تن درمی‌دهند بطوریکه بیشتر آنها بید از مدتی کار در بیرون خانه و مواجه شدن با مشکلات
فراوان و کار طاقت‌فرسا، خسته و فرسوده شده از کار خود ناام و پشیمان می‌شوند.

بهترین سند صحت این گفتار مطالعه وضع زنان در ممالک است که آزادانه در بیرون از
منزل کاری کنند:

در کشور سوئد، کشور آزادی و برابری زن و مرد، در حدود ۸۰۰ هزار زن خانه دار
وجود دارد، این عده پس از مدتی کار در خارج از منزل باین نتیجه رسیده اند که خانه‌داری

بهترین و مناسبترین کار برای جنس زن است اما اکنون دولت سوئد باین دسته از زنان، به جنگ برخاسته و از آنان خواسته است که در کنار خانه و زندگی، وظایف اجتماعی خود را نیز فراموش نکنند.

دولت سوئد برای این منظور و مجبور کردن زنان بقبول آن، در قانون خانواده، تغییراتی داده در سدد هستند علی رغم مخالفت‌های زنان خانه‌دار. بزرگترین مبارزه تاریخی را بر ضد زنان خانه‌دار جامعه عمل بپوشانند و باینکه بزنی سوئدی از همان سالهای اول دبستان تلقین میشود که جنسیت زن و مرد در قبول و اجرای هیچ حرفه‌ای فرق ندارند و دخترها، یسار می‌گیرند که چطور با موی تو و ماشین کار کنند، آهن را سوهان بزنند و یا مبل و سندی بسازند و در زندگی سیاسی و صنعتی و اموراتداری، زنان دوش بدوش مردها پیش می‌روند و لکن زمانی که زن سوئدی بپوهیت مادر شدن نایل می‌شود مشکلات زندگی او شروع شده؛ مجبور بترک کردن کار می‌شود و از اینجا مبارزه زن خانه‌دار و کارمند آغاز می‌شود و حتی کار بجائی رسیده است که سازمان خانوادگی و نقش مادر را در خطر می‌بینند و با اقدام دولت «نهضت کار با اعمال شاقه» لقب داده‌اند. (۱)

این ندای واقعی و حقیقی زنانی است که بعد از يك دوران آزادی بی حساب و کارد بیرون از خانه و درک مشکلات گوناگون آن، از دولت می‌خواهند که تسهیلاتی برای ورود آنان به درون خانه و انجام وظایف اصلی خود فراهم آورند و دست از اجبار آنان برای کار در بیرون از خانه بردارند و آنان را در این مورد آزاد بگذارند.

چنانکه ۱۳۶ میلیون زن شوروی نیز خواستار بازگشت بدوران قبل از انقلاب هستند، زنان شوروی دیگر نمی‌خواهند کار سنگین مردانه انجام دهند، آنها می‌خواهند دل‌ریا باشند و زیبایی زنانه خود را حفظ کنند (۲).

درست متجاوز از پنجاه سال بعد از انقلاب اکتبر که از نظر ظاهری، برابری حقوق زن و مرد فراهم شد، اینک زنان شوروی دوران آزادی واقعی را شروع کرده‌اند.

در این مدت آنها جان خود را در کارخانه‌ها و مزارع قربانی کردند و دولت برای پیش برد اقتصاد، زنان را بسخت‌ترین کارها و ادار کرده؛ اصول خانوادگی را فدای آن ساختند ولی حالا خواستار خوشبختی زندگی و بر آورده شدن خواستهای زنانه خود هستند و سر یحاً اعلام می‌دارند که دوست داشتن يك مرد، صاحب فرزند و خانه بودن و وقت خود

(۱) زن روز ش ۲۹۳.

(۲) اطلاعات ش ۱۲۳۳۲.

را صرف آنها کردن، بیش از شغل و سیاست بر ایمان اهمیت دارد. جالب توجه در تقاضای آنها اینست که زنان بیهانه تساوی حقوق می بایست راه سازی کنند، سنک بپزند و در پای کوره های بزرگ بایستند و اتوبوس برانند و بنائی کنند - تراکتور به حرکت در آورند .

اینک این ندا از حلقوم میلیون ها زن شوروی بیرون می آید: «مامی خواهیم مثل یک زن احساس خوشبختی کنیم» آنها مبارزه میکنند تا دوباره جنس لطیف شوند و آرزوی آنان اینست که لباس خوب بپوشند و بوضع خانه و بچه هایشان برسند و بزرگترین هدف زنان شوروی در حال حاضر این است که زیبایی خود را بازیابند همان چیزی را که در اثر کار سخت و طولانی و در اثر غفلت تا حدودی از دست داده اند .

* * *

نکنه جالب توجه اینکه زنان در این ممالک با اینکه در جمیع شؤون مملکتی دخالت دارند با وجود این تنوع کار زن در موارد تخصصی و تخصصی و تحصیل ندارد بمراتب بیشتر از کارهای سطح بالاتر میباشد زیرا وضع روحی و جسمی زن اقتضای بیش از این ندارد از اینرو زیاده دیده می شود که زنان شاغل حتی در پست های حساس اداری نیز در اولین عدم تعادل خانوادگی و یا اشکال شغلی و یا گرفتاریهای دیگر، کار خود را رها می سازند و بخانه شوهر و بچه های خود می چسبند و همین علت زن از نظر کار فرمایان و رؤسای مؤسسات اداری و غیر آن يك کارمند و یا کارگر مطمئن بشمار نمیرود چون هر آن انتظار میرود کارش را رها کند و در اثر پیش آمد های ناگهانی و موقتی مثل بیماری کودک، مرخصی رفتن خدمتکار و یا مهمانی ناگهانی، سر کارش حاضر نشود .

و اگر فرض کنیم هیچ وقفه ای در کار بیرون از خانه ایجاد نشده و مرتباً سر کارش حاضر شود باز روحیه اش بخاطر احساس ترس از نرسیدن بکارخانه و فرزندانش کوچک و شوهر خود همواره دچار تزلزل و تردید است از همه اینها گذشته زن کارمند در مؤسسات در اثر اینکه بسا مردان مختلف در محل کار و غیر آن ملاقات میکند چه بسا شوهر خود را قبول نمیکند و در نتیجه اختلافات گوناگون خانوادگی شروع میگردد در حالیکه همین زن اگر تنها با مرد خود برخورد می نمود و تنها با اخلاق و رفتار او مواجه می شد کمتر دچار تزلزل و اضطراب و اختلافات خانوادگی میگشت و موارد بسیاری در مطبوعات می خوانیم که زنهاستیکه بحقوقی رسیده اند و از آزادیهای برخوردار شده اند، اعتدال را فراموش کرده؛ دچار افراط و تفریط گشته اند بخصوص برای عده ای از زنان بخاطر اینکه اول برج پولی میگیرند و دستشان خواه ناخواه برای خرج-

کردن باز تراست سطح توقعشان نیز بالا رفته ، در نتیجه زمینه مساعدی برای ناسازگاری و طلاق فراهم می شود...

بالا تر اینکه در برخی ازموارد در دام شیدان و هوسبازان که دارای رتبه ای مافوق اذاری هستند گرفتار می آیند و بدین طریق نه تنها کار پیشرفت نمی کند بلکه محیط اداره و بالاخره محل کار و فعالیت تبدیل به محیط های ناپاک میگردد .

در خاتمه بهتر است قسمتی از نامه تکان دهنده دختری که بعد از ۸ سال تحصیل در خارج دنبال کار در بد رمی گردد از یکی از مجلات هفتگی برای اطلاع خوانندگان نقل کنیم :

... کسانی که میبایست شغل بمن واگذار کنند بجای اینکه تخصص و معلومات و اطلاعات را بیسند بالبخندی خریداران که گویای پلیدی و کوچ اندیشی بود استقبال می کردند و چنان بسر و پایم خیره می شدند که اصل مطلب یعنی تقاضای مرا از یاد میبردند و بالاخره در کمال وقاحت میخواستند بادیارهای پی در پی ... !! کار را خاتمه دهند وای بر من ، وای بر حال من که اگر خواسته باشم با این اشخاص کنار بیایم ...»

بقیه از صفحه ۵۳

راستی اگر همه مردم مسلمان و علاقمند تصمیم بگیرند برنامه ای را که پیامبر گرامی اسلام ارائه داده است اجرا کنند ، و هر کس به نسبت شغل و امکاناتی که دارد روزی يك اقدام خیر بعمل آورد راستی چرخ زندگی اجتماعی فعالانه بگردش می افتد ، و چه بسیار مشکلات و گرفتاریهای مردم که از این راه حل می شود .

یاری و دستگیری منحرفین و نجات غریقی که در مینجلاب بدبختی دست و پا میزند ، عالی ترین و پر ارزش ترین نوع نیکی و احسان از نظر اسلام است . پیشوای عالیقدر مسلمانین بلی (ع) فرمود :

« اگر یکنفر را ارشاد و هدایت کنی و از گمراهی و انحراف روحی نجات بخشی بهتر از آنست که هزاران شتر سرخ موی را در راه خدا انفاق کنی .»